

افغانستان و هند

روابط تاریخی این دو کشور کهن

آقای دکتر عبدالحکیم طبیبی از حقوق دانان مشهور بین‌المللی است که سال‌ها سفیر کبیر افغانستان بوده است. ازان جناب امتنان داریم که در ارسال این مقاله تحقیقی به مجله یفا اظهار لطف و عنایت فرموده‌اند و امید است که این رشته هرگز گسستن نیابد.

مجله یفا

مناسبات بین افغانستان و کشور پهناور هند چون خود تاریخ کهن و تاریخی است و مردمان این دو مدنیت آسیائی از قرن‌ها قبل سرحد مشترک بنام (اندس) داشته و از همدیگر همیشه استفاده کلتوری و مذهبی و تجارتی می‌کردند.

قابل تذکر است که مدنیت معروف وادی «اندس» به اساس تحقیقات اخیر در (مندیگک) صورت گرفته و به شکل ظروف گلی - جواهرات - مجسمه‌های خدایان و غیره بدست آمده نشان می‌دهد که چیز دیگری جز ادامه مدنیت افغانستان شرقی نبوده است. اینهم قابل تذکر است که افغانستان شمالی و منطقه بلخ یا باختر مهد تمدن آریائی‌های اولی بوده که از همان کانون آریائی‌ها جانب غرب و شمال هند به مهاجرت پرداختند. ریوگوبید راجع به کوبا «کابل» و نیز راجع به دریا‌های افغانستان مانند کابل - گومل و اندس، و نیز دریا‌های پنجاب مانند جهلم «تاسا» «چناب» «اکنی خنی» «راوی» «پاروسنی» «بیز» «ویاسا» و ستلج «ساتودی» حرف می‌زند.

دوستی افغانستان و هند مانند همیشه هنگام حمله اسکندر مقدونی در سال ۳۲۰ ق م قائم بوده، هنگامی که سکندر شرق میانه آسیای صغیر و ایران را در مدت کمتر از یک سال فتح کرد و به عزم تسخیر هند داخل افغانستان شد، افغان‌های دلاور مردانه وار در برابر عساکر فاتح یونان مقاومت نموده و دو سال تمام ایشان را در دره وادی‌های خویش در محاصره نگهداشتند، و در حقیقت همین معطلی دو

سالهٔ عسکر اسکندر در افغانستان باعث آن شد که یونانی‌ها بعد از دخول در پنجاب طاقت پیشرفت مزید و ماندن در هند را ندیده، واپس جانب یونان رهسپار شدند، و اسکندر از ترس اینکه مبدا در افغانستان باز محصور بماند از راه ریگستانهای سند و بلوچستان عساکر خود را رجعت داد که در نتیجه این بازگشت مشکل، مریض و قبل از رسیدن به یونان جان سپرد. افغان‌ها در شکست دادن جانشین اسکندر «سولوکس» با چند راگویتا همکاری نمودند.

در عصر آشوکا درخشنده‌ترین دوره تمدن «گریکوبودیک» در افغانستان سراغ شده می‌تواند. هنگام کوشانی‌ها و با شروع سال ۵۰ بعد از میلاد روابط درخشان کلتوری بین افغانستان و هند آغاز گردید و خاصاً هنگام سلطنت کانشکا که طرفدار جدی مذهب بودائی بود.

بامیان - جلال‌آباد - بگرام - هده و شمال افغانستان به شمول قندز مرکز تبلیغ و ترویج کیش بودائی آن وقت شمرده می‌شد، و از افغانستان بود که بودیزم به سینکیانگ و چین شمالی کوریا و جاپان انتشار یافت، فعلازیماترین سبک‌کندها را به شکل مجسمه و ستویه و معابد و منازل بودائی در افغانستان شاهد جلال آن دوره بوده و موزیم کابل دلیل روابط نیک و محکم این دوره هندو افغانستان است. در دوره کوشان و بعد از کوشان بود که هند از راه افغانستان با اروپا روابط خود را قایم کرد و «هیوان سنگ» مورخ قون هفتم در اثر خویش که راجع به حیات مبلغین و مراکز نوشته از روابط نزدیک افغانستان و هند به تفصیل شرح می‌دهد، هنگامی که سعد بن وقاص جنرال عرب در ۶۳۷ بعد از میلاد در میدان قادسیه قوای امپراطوری ساسانی را درهم شکست و به تعقیب آن در سال ۶۵۲ قوای اسلام داخل افغانستان و در ۶۶۳ به کابل حمله نمود افغانستان نخست در برابر قوای عرب و مذهب اسلام مقاومت شدید نمود ولی وقتی مردم افغانستان آهسته آهسته به قوانین و اساسات اسلام آشنا شدند و آن را قابل قبول و احترام دانستند نه تنها اسلام آوردند بلکه یک بار دیگر مانند دوره کوشان که افغانستان

مرکز تبلیغ اسلام واقع شد و سلاطین دوره‌های صفاری غزنوی و غوری افغانستان کیش بودائی را با هندی‌ها یکجا پیرو بود حالا باید هند را مسلمان سازند تا یکجا از این کیش صفای اسلام برخوردار گردند که فتوحات و حملات غزنوی‌ها و غوری‌ها در هند با همین نیت نیک و پاک صورت گرفت. ولی متأسفانه انگلیس‌ها برای مقاصد و منافع استعماری‌شان همین دوره را سوء تعبیر نموده و مورخین‌شان نیت نیک شاهان غزنوی و غوری افغانستان را بنام تجاوز بر دین و کیش مردم هند بروی صفحات تاریخ کشیدند تا روابط دو کشور خراب بماند در حالیکه تمام لشکر کشی غزنوی‌ها و غوری‌ها با رویه مذهبی قرون وسطی مانند دوره کوشان بعمل آمده بود و آرزوی تصرف دائمی را مانند اروپائی‌ها نداشتند و می‌خواستند که مذهب واحدی را که به عقیده ایشان صراط مستقیم بود با هندی‌ها یکجا پیروی کنند و خاصیت محمود سلطان مقتدر غزنه تماماً نیک و مبارک بود. در هنگام غوری‌ها و خاصاً در دوره سلطنت سلطان قطب‌الدین ایبک بانی قطب مینار و نیز در دوره سلاطین لودی هند برای اولین بار هند یک اداره قوی مرکزی را صاحب شد که اساس وحدت فعلی هند بزرگ می‌باشد در همین دوره است که ریفورم‌های زراعتی - تجارתי و عدلی به وجود آمد.

بعد از این دوره بزرگترین پادشاه افغانی هند یعنی شیرشاه سوری باشکست همایون فرزند بابر سلطنت دهلی را صاحب می‌شود. شیرشاه با لیاقت و کاردانی بدون آنکه از زمینداران و فیودالها ترس داشته باشد پروگرام‌های اقتصادی و اداری را طرح نمود. شهرت شیرشاه به نسبت دلآوری او نبود بلکه بحیثیت یک اداره کننده بزرگ در تاریخ اسم او باقی مانده. از خدمات بزرگ او تنظیم امور مالی بود که ابوالفضل وزیر دانشمند امپراتوری مغل جلال‌الدین اکبر در کتاب آئینه اکبری از بزرگی شیرشاه تذکر داده. در دوره او نه تنها آرامی و صلح در سراسر هند حکمفرما بود و قلمرو او از تبت تا بنگال به خوشی زندگی می‌کرد و ناهبرده بزرگترین راه آسیائی را که اولین شاه راه آسیا باید نامیده شود از غرب

هند تا بنگال بکار انداخت ز در امتداد آن سرای ها هتلها برای استراحت مسافرین بنا نمود. در عصر او دزدی منع بود اگر در قریه ای مال سرقه می شد تمام قریه یا مجبور به تاوان بودند و یا دزد را به حکومت تسلیم می کردند. متأسفانه با تمام خدمات که شیرشاه در هند نموده به نسبت آنکه افغان بود حتی به پیمان ضعیف ترین پادشاهان مغل نیز در تاریخ هند مقام ندارد و با اینکه بزرگترین شاهراه هند را بکار انداخت که تا امروز بحیث مفیدترین شاهراه ازان استفاده می شود ولی هیچیک سرک و شاهراه هند بنام او نامزد نیست دلیل آن مخالفت مورخین انگلیس به شاهان افغانی هند و خدمات شان می باشد چنانچه خاندان های دیگر شاهان افغانی را نیز انگلیس ها تا حال بنام خاندان « غلامان » در تاریخ هند ثبت کرده اند که تا حال متأسفانه این غلط در کتب فعلی هند باقیمانده است.

مناسبات و دوستی افغانستان و هند طوری که در بالا ذکر شد تا قبل از ورود انگلیس ها در هند قایم بود و به آمدن انگلیس نه تنها روابط تجارنی و تاریخی برهم خورد بلکه بین خود ایالات و مردم هند و طبقات اجتماعی و مذهبی آن کشمکش به نفع استعمار آغاز گردید. گرچه آرزوی برطانیه آن بود که افغانستان را از صفحه آسیا محو و آن را جزو قلمرو هند سازد و چنانچه سیاست انگلیس ها برای يك قرن روی این مطلب دور می خورد ولی هر بار انگلیس ها خواستند به افغانستان مداخله کنند به مقابله مردانه وار افغان ها برخوردند چنانچه در دوران صد سال مجادله به صورت اوسط انگلیس ها با افغانستان چندین جنگ خرد و بزرگ نمودند که سه جنگ آن بزرگ و معروف است در هر سه جنگ انگلیس ها بشکست کمر شکن مواجه شدند.

بقیه در شماره بعد